



سومین همایش ملی
بانو حضرت زهرا سلام
بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC
Islamic World Science Citation Center

CIVILICA

SID

خصائل و فضائل حضرت خدیجه (س)

نرگس سعادت^۱

چکیده

سخن از خدیجه (س)، سخن از یک دنیا عظمت، پایداری و استقامت در راه هدف است. در عظمت مقام او همین بس که از میان تمام بانوان اهل بهشت، پس از دخت والا مقامش حضرت فاطمه زهرا (س)، ایشان و حضرت مریم و آسیه برترین و والاترین هستند. شخصیت حضرت خدیجه (س)، دارای ابعاد مختلف و والایی است که پرداختن به هر یک از آن ابعاد، بیانگر الگو و سرمشقی نیکو برای بانوان مسلمان است. خدیجه از بزرگترین بانوان اسلام به شمار می‌رود؛ او اولین زنی بود که به اسلام گروید؛ چنان که علی بن ابی طالب (ع) اولین مردی بود که اسلام آورد؛ اولین زنی که نماز خواند، خدیجه بود؛ او انسانی روشن‌بین و دور اندیش بود. باگذشت، علاقه‌مند به معنویات، وزین و با وقار، معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار آسمانی بود. همین شرافت برای او بس که همسر رسول خدا (ص) بود و گسترش اسلام به کمک مال و ثروت او تحقق یافت. خدیجه از کتب آسمانی آگاهی داشت و علاوه بر کثرت اموال و املاک، او را «ملکه بطحاء» می‌گفتند. خدیجه (س) از نظر عقل و زیرکی نیز برتری فوق العاده‌ای داشت و مهم‌تر اینکه حتی قبل از اسلام وی را «طاهره» و «مبارکه» و «سیده زنان» می‌خواندند. جالب این است او از کسانی بود که انتظار ظهور پیامبر اکرم (ص) می‌کشید و همیشه از ورقه‌بن نوفل و دیگر علما، جویای نشانه‌های نبوت می‌شد. اشعار فصیح و پر معنای وی در شأن پیامبر اکرم (ص) از علم و ادب و کمال و محبت او به آن بزرگوار حکایت می‌کند.

واژگان کلیدی: خدیجه، بانوی بزرگ اسلام، فضائل، خصائل، همسر حضرت محمد (ص).

^۱. سطح ۳ رشته تفسیر و علوم قرآنی.

مقدمه

قطعاً فضائل و مقامات حضرت خدیجه (س) بدون اسباب و علت نمی تواند باشد. عقل و عنایات و الطاف الهی، ریشه فضائل و مقامات اوست. در کلمات برخی مورخان به این جمله بر می خوریم: «کانت خدیجه امرأه عاقله شریفه مع ما أراد الله بما من الکرامته و الخیر و هی یومئذ افضلهم نسبا و اظهم شرفاً و اکثرهم مالاً» خدیجه با آنچه خداوند از بزرگی و خیر که نسبت به او ادا کرده بود، بانوی خردمند شریفی بود. او در آن دوران از برترین افراد در نسب و بزرگترین شخصیت در شرف و ثروتمندی بود.^۱ لیکن خدیجه به پیامبر اکرم (ص) و انتخاب او به عنوان همسر آینده، در کنار درایت و لطف الهی نقش تعیین کننده ای در فضائل و مقامات خدیجه (س) دارد.

زن در نگاه اعراب جاهلی چنان که امروز نیز رگه هایی از آن دیده می شود تنها وسیله ای بود برای کامجویی و در غیر این صورت بندی بود بر دست و پا! چنان که بعضاً وقتی که خبر دختر دار شدن به آن ها می رسید رنگشان از شدت خشم و عصبانیت سیاه می شد که قرآن کریم می فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» و چون یکی از آنان را به [ولادت] دختر مژده دهند [از شدت خشم] چهره اش سیاه گردد، و درونش از غصه و اندوه لبریز و آکنده شود!! به سبب مژده بدی که به او داده اند، از قوم و قبیله اش [در جایی که او را نبینند] پنهان می شود [و نسبت به این پیش آمد در اندیشه ای سخت فرو می رود که] آیا آن دختر را با خواری نگه دارد یا به زور، زنده به گورش کند؟! آگاه باشید! [نسبت به دختران] بد داوری می کنند.^۲

پس از اسلام جلوه و رخ تازه ای از حضور بانوان به نمایش گذاشته شد: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمِلْنَ فَلْيَضَعْنَ عَلَيْنَهُنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَاتَّمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فِى تَرْضُعِ لَهٗ أُخْرَىٰ» - زنان طلاق داده را [تا پایان عده] به اندازه توانگری خود آنجا سکونت دهید که خود سکونت دارید و به آنان [در نفقه و مسکن] آسیب و زیان نرسانید تا زندگی را بر آنان سخت و دشوار کنید [و آنان مجبور به ترک خانه شوند]، و اگر باردار باشند، هزینه آنان را تا زمانی که وضع حمل کنند، پردازید و اگر [پس از جدایی]، کودک شما را شیر دادند، اجرتشان را بدهید، و در میان خود [درباره فرزندان] به نیکی و شایستگی مشورت کنید [تا به توافقی عادلانه برسید و در نتیجه به حق زن و شوهر و فرزند زبانی نرسد] و اگر [کارتان در این زمینه] با یکدیگر به سختی

۱. دیار بکری، تاریخ خمیس، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲. اعراف، ۵۹/۵۷.

کشید [و نهایتاً به توافق نرسیدید،] زنی دیگر کودک را [با هزینه پدر] شیر دهد.^۱ بنابراین حتی زنان طلاق داده شده نیز دارای حرمت و شخصیت و احترام شدند چه رسد به زنانی که همسر یا مادر یک خانواده بودند.

یک از نمونه‌های الگویی که خداوند و پیامبر اسلام (ص) به مسلمانان و به ویژه زنان مسلمان معرفی کرده‌اند حضرت خدیجه (س) است. این بانوی مکرمه جدای از بحث شان و مقامی که از راه همسری رسول الله (ص) به دست آورده اند، دارای ویژگی‌های رفتاری هستند که در جای خود بسیار مکان تامل است و آنچه که این نوشته به دنبال آن است بررسی و تحلیل همین ویژگی‌هاست. چراکه بیان یک الگو برای انسان از مهم ترین قدم هایی است که برای تربیت وی باید برداشت و این روشی است که قرآن کریم به ما یاد داده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»^۲ یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد؛ و خدا را بسیار یاد می‌کند».

مقالات ارزشمندی چون فضائل حضرت خدیجه (ع)^۳ و یا خدیجه یگانه انتخاب پیامبر تا زمان وفات ایشان، معصومه بانوان شیعه بود که در جای خود بسیار مفید است.

جالب این است که راهب نصرانی این مسئله را قبل از رسالت پیامبر و ازدواج او با خدیجه به خوبی پیش بینی کرد که اگر خدیجه پیامبر را رها نکند به مقامات و فضائل عظیمی دست خواهد یافت؛ آنجا که به میسره غلام خدیجه گفت: «یا میسرۀ اقرأ مودتک منی السّلام و اعلمها انها قد ظرفت بسید الانام، وآنۀ سیکون لها شأنٌ من الشّانِ و تفضل علی سائر الخالصّ و العالم و احذرهما أن تفوتها القرب من هذا السید فان الله تعالی سیجعل نسلها من نسله و یبغی ذکرها الی آخر الزمان...»^۴

«ای میسره به خانم و مولای خود سلام سلام را برسان و به او اعلام کن که به آقای مردم "حضرت محمد" دست یافته است. و به زودی برای او (خدیجه) شان و جایگاهی خواهد بود و بر تمامی خاص و عام برتری می یابد و بترسان او را از اینکه نزدیک شدن به این آقامحمد (ص) را از دست بدهد زیرا خداوند بلند مرتبه به زودی نسل او را از نسل محمد قرار خواهد داد و نام (نیکش) تا آخر الزمان خواهد ماند».

۱. طلاق، ۶.

۲. احزاب، آیه ۲۱.

۳. امامی فر، مبلغان، ۱۳۸۳، شماره ۵۹.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۴۴.

این پیش بینی نجات می‌دهد که در کتب آسمانی گذشته یا در بیانات انبیاء کاملاً مقام و منزلت خدیجه (س) بیان شده بود، از این رو راهب نصرانی به خوبی و با دقت تمام آن را پیش بینی پژوهشی کرد.

معنای لغوی

خُلُق به ضم خاء یا خُلُق، جمع اخلاق به معنای صورت باطنی و ناپیدای انسان است. که سرشت و سیرت نیز نامیده می‌شود؛ چنان‌که خُلُق به فتح خاء بر صورت ظاهری و دیدنی انسان دلالت دارد.^۱

معنای اصطلاحی

خُلُق در اصطلاح، ملکه‌ای نفسانی است که به اقتضای آن، فعلی به سهولت و بدون نیاز به فکرکردن، از انسان صادر می‌شود. خُلُق به ضم خاء یا خُلُق، جمع اخلاق به معنای صورت باطنی انسان است که سیرت نیز نامیده می‌شود. ارتباط میان معنای لغوی و اصطلاحی خُلُق بدین‌گونه است که صورت باطنی انسان را کیفیات نفسانی وی می‌سازد؛ چنان‌که صورت ظاهری وی را کیفیات جسمانی او رقم می‌زند.

با توجه به معنای اصطلاحی، تنها به قوه انجام دادن کار، خُلُق گفته نمی‌شود؛ زیرا رابطه خُلُق با انجام دادن کار، بیش از حد مذکور است. نسبت خُلُق با انجام دادن کار مانند نسبت آمادگی و مهارت کاتب با نوشتن حروف و کلمات است که به سهولت و بدون فکر و تروی صورت می‌گیرد؛ آچنان‌که خُلُق بر خود فعل انجام گرفته نیز اطلاق نمی‌شود و فقط بر مصدر روحی و نفسانی انجام دادن کار اطلاق می‌گردد؛^۳ اما برخی از باب توسعه و مجاز آن را درباره خود فعل نیز به کار می‌برند.^۴

خُلُق، براساس نوع فعلی که از آن صادر می‌شود به پسندیده یا ناپسند اَتصاف می‌یابد؛ هرچند وقتی خُلُق یا اخلاق به صورت مطلق و بدون وصف یا قیدی به کار رود، به معنای خُلُق پسندیده است.^۵

معنای لغوی

فضیلت (ف ل) (ع اِص) فضیلة. رجحان. برتری. مزیت. فزونی.^۶

۱. زبیدی واسطی، تاج العروس، ج ۱۳، ص ۱۲۴. اصفهانی، مفردات، ص ۲۹۷. لغت نامه ج ۶، ص ۸۷۱۱.

۲. فخر رازی، المباحث المشرقیه، ج ۱، ص ۵۰۹.

۳. فخر رازی، المباحث المشرقیه، ج ۱، ص ۵۰۹.

۴. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ص ۱۱۴.

۵. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۶۶.

۶. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا.

معنای اصطلاحی

«فضیلت» واژه‌ای عربی از ریشه فضل است. در مورد معنای «فضل» برخی از لغت‌شناسان عرب معنایی از آن ارائه نکرده‌اند و در مورد دلیل آن گفتند که چون معنای آن معلوم و برای همگان شناخته شده است، اما در مورد معنای «فضیلت»، اندیشمندان لغوی آن را به مطلق زیادی،^۲ یا زیادت‌تر شدن از حد متوسط^۳ و نیز ضد و خلاف «نقص» و «نقیصه»^۴ معنا کرده‌اند. برخی نیز بر این باورند که «فضل» زیادی از حد میانه است و در امور پسندیده به کار می‌رود و در امور ناپسند و مذموم، «فضول» به کار می‌رود.^۵ فضیلت را نیز به درجه بالایی از فضل نیز معنا کرده‌اند.^۶

تاریخچه زندگی خدیجه

خدیجه (س) در ۶۸ سال قبل از هجرت پیامبر دنیا آمد. خانواده‌ای که خدیجه را پرورش داد، از نظر شرافت خانوادگی و نسبت‌های خویشاوندی، در شمار بزرگترین قبیله‌های عرب جای داشت. این خاندان در همه حجاز نفوذ داشت. آثار بزرگی و نجابت و شرافت از کردار و گفتار خدیجه پدیدار بود. خدیجه از قبیله بنی هاشم بود و پدر و اقوامش از ثروتمندان قریش بودند. پدرش خویلد بن اسد قریشی نام داشت. مادرش فاطمه دخترزائد بن اصم بود.

حضرت خدیجه (س) حامی پیامبر (ص)

سرزمین خشک و سوزان عربستان در سراسر عمرش با مشکل عظیمی دست و پنجه نرم می‌کرد: آب و همین آب بود که موجب می‌شد ساکنان این سرزمین اغلب بیابانگرد باشند. و عمر خود را در جست و جوی آب و قوتی سپری کنند. و همه این‌ها باعث می‌شد تا عرب با خوبی وحشی رشد کند. اما گونه این انسان به قائمین باللیل و صائمین بالنهار تبدیل شد؟ چه اکسیری براین مس افتاد و آن را زر کرد؟ اسلام. حالا می‌توان فهمید معجزه اسلام در چیست؟

اما سوال اینجا است: چه چیزی عامل ترویج خود این اسلام است؟ پاسخ آن در یک بیان تاریخی است: «إنَّ الإسلام قام بأموال خدیجه و سیف علی علیهما سلام الله»^۷. البته این، همچنان که شهید مطهری در «سیری

۱. «الْفَضْلُ معروف». فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۴۳.

۲. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۰۸.

۳. الْفَضْلُ: الزَّيَادَةُ عَنِ الْاِقْتِصَادِ». اصفهانی، مفردات أَلْفَاظِ الْقُرْآنِ، ص ۶۳۹.

۴. جوهری، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۵، ص ۱۷۹۱.

۵. مفردات، أَلْفَاظِ الْقُرْآنِ، ص ۶۳۹.

۶. فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۴۳.

۷. کراجکی، ۱۴۲۷.

در سیره نبوی» بیان داشته اند، به معنی زر و زور نیست ولی نادیده گرفتن آن هم ممکن نیست. چگونه می‌توان نادیده گرفت این خیر کثیر را با آنکه پیامبر اکرم(ص) در عظمت آن این گونه گفته اند: «قالت له عائشه یوما: تكثر من ذکر خدیجه و قد أبدلک الله من هو خیر منها؟ فقال(ص): «کلاً و الله ما بدلت بها من هو خیر منها، صدقتنی إذ کذبتنی الناس، و آوتنی إذ طردنی الناس، و أسعدتني بمالها، و رزقني الله الولد منها، و لم أرزق من غیرها»^۱.

هر ایده و نظری، جدای از اینکه چیست و از کجا آمده است، برای گسترش و قبول آن از طرف جامعه نیازمند حمایت است. حمایت به انواع گوناگونی چون حمایت مالی، عاطفی، جانی و... تقسیم بندی می‌شود. اینکه خود آن ایده و نظر نیازمند حمایت است یا صاحب و مبلغ آن ایده نیز بحثی است که در ادامه خواهد آمد، اما بعضی از حمایت‌ها تنها از پس کسانی بر می‌آید که با انسان پیوند جانی داشته باشند. حضرت خدیجه(س) به عنوان همسر گرامی رسول اکرم(ص) و کسی که نزدیک‌ترین فرد به رسول الله(ص) است - جدای از نقش پیامبری پیامبر اکرم(ص) - این مسئولیت را حس می‌کند که باید از شوی خود در انجام ماموریتی که به وی محول شد حمایت کند و یاری گر او باشد.

اخلاق خدیجه(س)

خدیجه در بین اقوام خود یگانه و ممتاز و میان اقران کم نظیر بود. او به فضیلت اخلاقی معروف بود و بدین جهت زنان مکه به وی حسد می‌ورزیدند. دخترت خوید در سجایا و کمالات اخلاقی زبان زد و نمونه بود و به حق ایشان کفو خوبی برای پیامبر(ص) بود. بی‌تردید می‌توان گفت که این سجایا و فضایل اخلاقی سبب شد تا خدیجه برای همسری پیامبر اکرم(ص) شایسته شمرده شود. طبق روایات، او برای پیامبر اکرم(ص) یآوری صادق بود.

از زنان بهشت

خدیجه(س) نمونه برجسته کمال، نبوغ، فهم و بینش بود که همانند آن را در میان مردان و زنان، کمتر می‌توان یافت، و عفت، نجابت، طهارت، سخاوت، حسن معاشرت، صمیمیت، مهر و وفا از جمله صفات برجسته او بود. در جاهلیت، خدیجه را طاهره و سیده نساء قریش می‌خواندند و در اسلام، یکی از چهار بانویی که بر همه بانوان بهشت فضیلت و برتری دارند، شناخته شد و جز دختر ارجمند و عزیزش، هیچ بانویی این مقام و فضیلت را نیافت.

^۱. کراچی، ۱۴۲۱.

همسری هوشیار و دانا

او برای رسول خدا (ص) نعمتی بزرگ و رحمتی از رحمت واسعه خداوند متعال بود. برای مرد، به ویژه مردی که بیرون خانه و در اجتماع به فعالیت‌های بزرگ مشغول بوده و مقاصد عظیم داشته باشد و عهده دار پیکار و جهاد بوده و مورد یورش مخالفان و هجوم دشمنان باشد؛ بهترین آرامش دهنده قلب و روح و نگهبان پایداری و استقامت و رفع کننده خستگی و ناراحتی، همسر هوشیار و خردمند و مهربان و دلسوز است. اگر مردی در خارج از خانه با دشمنان گرم پیکار گشته و به حمله‌های وحشیانه، استهزاء، سرزنش و اذیت و آزار مردم گرفتار گردد و در منزل نیز با همسری نادان و بدخو و ترسو، ضعیف و شماتت گر، روبرو شود که او را از کار و هدف وی و پیمودن راهی که مدّ نظر اوست باز دارد و او را سرزنش کند و به ترک دعوا و تسلیم شدن به دشمنان وادار نماید، از اینکه هر روز شوهرش مورد شتم و استهزای جاهلان قرار می‌گیرد، خسته و ناخوشایند باشد و در پی حلّ مشکلات همسر خویش برنیاید، بی شک مشکلات و دشواری‌های آن مرد، دو چندان خواهد شد. پیامبر اسلام (ص) آورنده بزرگ ترین رسالت آسمانی، از طرف خدا مأمور بود که با خرافات و مظاهر شرک و بت پرستی و ستمگری و محرومیت توده‌های ضعیف و فقر و جهل و نادانی، فساد و فحشا و آنچه رذایل بود، مبارزه و با گردنکشان، مشرکان و بت پرستان متعصب، رؤسای قبایل و سران استعمار، با عادات و ادیان باطل و تعصبات کورکورانه جهاد کند.

سیده زنان قریش

مشرکان، همه توان و قدرت خویش از جمله: شجاعان پیلتن و مردافکن، شعرای دشنام ده و ناسزاگو، اراذل و اوباش، زن و مرد، خویش و بیگانه، را برای مبارزه با اهداف آن حضرت بسیج کردند؛ و تا آنجا که می‌توانستند او و چند تن از یارانش را اذیت کردند. می‌زدند؛ رنج داده، ناسزا می‌گفتند. سر راهش را با خار و خاشاک می‌بستند؛ در حال نماز و پرستش به او توهین کرده و روابط خود را با او و یارانش قطع نمودند. طعام و خوار و بار را در اختیار او و کسان و پیروانش قرار نمی‌دادند و در کل، محیط خارج، علیه پیامبر (ص) به پیکار و نبرد برخاسته بود و همه مشرکان با دعوت و رسالتش مخالفت می‌نمودند.

با وجود این همه دشمن و موانع و مشکلات، اگر در میان همه این دشمنان، پیامبر (ص) هر روز وقتی به خانه می‌آمد، با چهره گرفته و معترض همسرش، آن هم همسری که سیده زنان قریش و دارای آن شخصیت و صاحب آن همه ثروت و مکنت بود، روبرو می‌شد که از راه دلسوزی و ترخّم و یا اعتراض، از او می‌خواست تا از دعوت خویش دست بردارد و خود را مورد این همه اهانت و استهزاء قرار ندهد، در چه وضع عجیب و دشواری قرار می‌گرفت؟!

ثروتمند زمان خود

اگر آن همسر محترم که ثروت کم نظیر خودش را در اختیار شوهر قرار داده بود تا در راه خدا و دستگیری از فقیران انفاق کند، پیشنهاد می داد که: مناسب است با قوم و قبیله ات که حاضرند تو را امیر و پادشاه خود قرار دهند، سازش کنی و با دین و روش آنها کاری نداشته باشی و زندگی آرام و راحت ما را به یک زندگی سرشار از حادثه و نگرانی تبدیل نمایی، پیامبر(ص) چگونه او را قانع می ساخت؟ و چه کسی توانایی مرهم گذاشتن بر جراحات روح و جسم آن حضرت را داشت؟

بی شک سراسر زندگی پیامبر(ص) از داخل و خارج خانه، فشار و مانع و سختی می شد. ولی لطف خدا دریچه های قلب خدیجه را چنان به سوی درک حقایق دعوت اسلام باز کرد و آن چنان دلش را نورانی و سرشار از معرفت و حکمت گردانیده بود که هرگز پیامبر(ص) با چنان منظره اسفناک، در داخل خانه روبرو نشد.

دکتر «بنت الشاطی» می گوید: «آیا همسری غیر از خدیجه این استعداد را دارا بود که دعوت تاریخی شوهرش را وقتی از غار حرا آمد، با ایمان قوی و آغوش باز و مهر و عطوفت استقبال کند؛ بی آن که در راستی او و اینکه خداوند او را تنها نخواهد گذاشت، شکی در دل راه بدهد؟

آیا جز خدیجه، هیچ بانوی ثروتمندی که در ناز و نعمت و آسایش و احترام زیسته، می توانست با کمال رضایت و خرسندی از زندگی اشرافی، اموال بسیار و عزت و توانگری چشم بپوشد؛ تا در دشوارترین لحظات زندگی کنار همسرش بایستد و او را در بلایا و مشکلات موجود در راه تحقق هدفی که به حقایق آن ایمان داشت، یاری کند؟ حاشا و کلاً! فقط خدیجه چنین بود و زنان دیگر چون او نیستند، مگر آنکه در طبقه و رتبه او باشند».

خداوند به جای شهر مکه، مردم مکه و مهر و محبت آنها و استقبال ایشان از دعوت به توحید خدیجه را به پیامبر(ص) عطا کرد. و او هنگامی که حضرت به خانه می آمد، به استقبال وی می شتافت و از حال وی پرسش می کرد و از او دلجویی می نمود و رحمت و نصرت و لطف خدا را به یاد او آورده، گرد و غبار را از چهره درخشانش می شست و ملالت آزار قوم را با تسلاهای گرم از دلش می زدود.

«ابن اسحاق» می گوید: سخنی از قوم در ردّ و تکذیب، که موجب اندوه و آزردهی فکر و خاطرش شود، نمی شنید؛ مگر آن که خدا آن اندوه را به واسطه خدیجه برطرف می ساخت. خدیجه سنگینی سخنان سخت را بر او سبک می کرد و او را تصدیق می نمود و رفتار و جسارت های مردم را بی ارزش و بی اهمیت می شمرد.

آری، خدیجه نخستین زنی بود که دین اسلام را پذیرفت و با پیامبر (ص) نماز خواند و جز علی بن ابی طالب (ع) که همواره پیش و بعد از بعثت، ملازم و پیرو پیامبر (ص) بود و از راه و روش پیامبر (ص) لحظه‌ای جدا نشد کسی از بندگان خدا سابقه اسلام او را ندارد.

حکیمه بی نظیر

خدیجه با دورانیشی و افکار حکیمانه، خردمندی و حدس صائبی که داشت، دعوت پیامبر (ص) را پذیرفت و سوابق نیکو و درخشان رسول خدا (ص) و اخلاق و صداقت و راستگویی و امانت داری، یاری ضعفا و دستگیری از فقرا، تواضع، قناعت و ایثار و بخشش و مهمان نوازی و سایر صفات پسندیده آن حضرت، همه در نظر خدیجه آن زن آزموده حکیمه مجسم بود و می‌دانست آن سوابق عالی و ملکوتی، در چنان محیط تاریک و پر از فساد و تباهی از علایم نبوت است. خدیجه، پیامبر (ص) را به خوبی شناخته و دریافته بود که او از باطل پرهیز دارد و از دروغ بیزار است.

اولین بانوی مسلمان

بنابراین خدیجه در پذیرفتن اسلام، هیچ گونه صبر و تردیدی نکرد؛ و از همان قدم اول، یار و مددکار پیامبر (ص) شد و ثروت و اموال خود را برای یاری دین خدا، در اختیار پیامبر (ص) قرار داد. خدیجه نیز چون پیامبر (ص) از آزار مشرکان و بت پرستان بی نصیب نماند. زن‌ها از او کناره گرفته و رفت و آمد با او را قطع کردند. به او زخم زبان می‌زدند و سخنان درشت می‌گفتند، حتی در هنگام زایمان به کمک او نمی‌آمدند و او را تنها می‌گذاشتند. اما خدیجه، آینده‌ای را می‌دید که دیگران نمی‌دیدند. او می‌دانست دین محمد حق است و طولی نخواهد کشید که پرستش خدای یگانه، جای پرستش بت‌ها را خواهد گرفت و خدا پیامبرش را یاری می‌کند و روز به روز بر شهرتش افزوده می‌شود.

چراغ خانه و نسلی با برکت

آری، خدیجه در اسلام مقامی یافت که از میان بانوان، جز دخترش که سیده نساء عالمین است کسی به آن مقام و افتخار دست نیافت و خدا نسل پیامبر (ص) را از چنین بانویی قرار داد. پیامبر (ص) در عین نشاط جوانی، در سن بیست و پنج سالگی با خدیجه که چهل سال از عمر خویش را پشت سر گذاشته بود، ازدواج کرد. و حدود بیست و چهار سال، خدیجه چراغ خانه پیامبر (ص) و انیس و غمخوار او بود و پیامبر (ص) تا خدیجه زنده بود، یعنی تا سن پنجاه سالگی خودش و شصت و پنج سالگی خدیجه، زن دیگری اختیار نکرد. بعد از خدیجه هم اگر چه به اقتضای حکمت‌ها و مصالحی، زن‌های متعددی گرفت، ولی هیچ یک از آنها جای خدیجه را نگرفتند و فراقی را که از فقدان خدیجه در خانه رسول خدا (ص) پیدا

شد، پر نکردند و پیامبر(ص) از آنها صاحب فرزندی نشد و نسل او از خدیجه باقی ماند. پیامبر(ص) خدیجه را فراموش نکرده و از اخلاق و صفات او یاد می‌فرمود. به کسانی که با او آشنا و دوست بودند، احسان و لطف می‌کرد. «عایشه» می‌گوید: «بر احدی از زن‌های پیامبر(ص) آن قدر غیرت نوزیدم که بر خدیجه غیرت ورزیدم. برای اینکه پیامبر(ص) بسیار از او یاد می‌فرمود و اگر گوسفندی ذبح می‌شد، از آن برای دوستان خدیجه می‌فرستاد. و نیز از «عایشه» روایت شده است که: «رسول خدا(ص) از خانه بیرون نمی‌رفت، مگر آن که خدیجه را یاد می‌کرد و بر او به خوبی و نیکی مدح و ثنا می‌فرمود». روزی از روزها غیرت مرا گرفت، گفتم: او پیر زنی بیش نبود و خدا بهتر از او را به شما عوض داده است. پیامبر(ص) غضبناک شد؛ به طوری که موی جلوی سرش از خشم تکان می‌خورد. سپس فرمود: «نه، به خدا، بهتر از او را خدا به من عوض نداده. ایمان آورد به من، وقتی مردم، کافر گردیدند و تصدیق کرد مرا، هنگامی که مردم مرا تکذیب می‌کردند و در اموال خود با من مواسات کرد، وقتی مردم مرا محروم ساختند و خدا از او فرزندان روزی من کرد و از زنان دیگر محروم فرمود.»

فضایل اخلاقی خدیجه

از فضیلت‌های حضرت خدیجه(س)، مقامی است در بهشت که از سوی خداوند به ایشان وعده داده شده است. پیامبر اکرم(ص) نیز بارها این مسئله را به خدیجه بشارت می‌داد و می‌فرمود: «در بهشت، خانه‌ای داری که در آن رنج و سختی نمی‌بینی.» امام صادق(ع) نیز می‌فرماید: هنگامی که خدیجه وفات یافت، فاطمه خردسال بی تاب می‌کرد و گرد پدرش می‌گشت و سراغ مادر را از او می‌گرفت. پیامبر از این حالت دخت کوچکش بیشتر محزون می‌شد و دنبال راهی بود تا او را آرام کند. فاطمه همچنان بی تاب می‌کرد تا اینکه جبرئیل بر پیامبر(ص) نازل شد و فرمود: «به فاطمه(س) سلام برسان و بگو مادرت در بهشت خانه‌ای کنار آسیه، همسر فرعون و مریم، دختر عمران نشسته است.» هنگامی که فاطمه(س) این سخن را شنید، آرام گرفت و دیگر بی تابی نکرد.

از پیامبر گرامی اسلام(ص) چنین روایت شده است: «خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرِيْمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَّةُ بِنْتُ مُرَاحِمٍ وَ خَدِيْجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ (ص)». ^۱ ترجمه روایت چنین است: «بهترین بانوان جهان، مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد(ص) هستند.»

«عبدالله بن عباس» نیز که از شاگردان برجسته مکتب وحی به شمار می‌رفت، در این خصوص اظهار داشته است: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيْجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرِيْمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِيَّةُ بِنْتُ

۱. ر.ک: الثغور الباسمة فی فضائل السیدة فاطمة، ص ۷۰.

مُزَاجِمٌ». ^۱ ترجمه چنین است: «برترین و بالاترین زنان اهل بهشت عبارتند از: خدیجه دخت خویلد، فاطمه دخت محمد «ص»، مریم دخت عمران و آسیه دخت مزاحم.»

همچنین از رسول خدا (ص) روایت است که در تکریم مقام والای همسر باوفایش خدیجه کبری (س) چنین فرمود: او هنگامی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب می کردند و ثروتش را در راه من [و گسترش آیین اسلام و حمایت از مظلومان و تهیدستان از میان تازه مسلمانان بویژه در زمان حضور بنی هاشم در شعب اُبی طالب] صرف نمود؛ در حالی که مردم از من دریغ می کردند. ^۲

سرانجام این بانوی گرانقدر و والامقام (س) که عمر خویش را صرف خدمت به محبوب ترین خلق خدا و اشرف پیامبران الهی (ص) و دفاع از حقانیت اسلام و رواج آیین الهی و نفی شرک و بت پرستی کرد و مادر دخت گرامی پیامبر اسلام (ص) یعنی حضرت فاطمه زهرا (س) بوده است، در حالی که ۶۴ سال و چند ماه از عمرش می گذشت، در مکه وفات یافت. ^۳

ابوطالب عموی گرامی پیامبر خدا (ص) و خدیجه بنت خویلد (س) با فاصله ای کوتاه، سه سال پیش از هجرت به یثرب (مدینه الرسول) و حدود هشت ماه پس از خروج از شعب اُبی طالب وفات کردند. پیامبر اکرم (ص) این سال را که طی آن دو تن از نزدیک ترین و عزیزترین افراد خانواده اش را از دست داد، عام الحزن (سال اندوه) نامید. ^۴

خدیجه کبری (س) از برترین و نامدارترین بانوان جهان اسلام به شمار رفته و در راه گسترش آیین توحید، فداکاری بسیاری از خویش آشکار کرد و نخستین زنی است که دین اسلام را پذیرفت. نسل پیامبر اسلام (ص) نیز از طریق این بانوی والا مقام (س) جریان داشته و مادر فرزندان پیامبر اسلام (ص) به استثنای ابراهیم بوده است. فضیلت های این بانوی برجسته و پاک سیرت فراتر از آن است که در قالب کلمات بگنجد. خدیجه (س) از برترین بانوان جهان محسوب می شود و الگویی نیکو برای همه زنان در سراسر گیتی به شمار می رود.

حضرت خدیجه (س) و صبر

مسلماً زندگی آدمی بدون فراز و نشیب و سختی و آسانی نخواهد بود و در این مسیر وجود یک یار و همراه و هم قدم بسیار راهگشاست. زندگی پیامبر اکرم (ص) نیز از این قاعده مستثنا نبود و حضرت

۱. چهل حدیث در فضائل حضرت زهرا (س)، ص ۱۲.

۲. یوسف قرمانی، أخبار الدول و آثار الأول، ج ۱، ص ۲۶۴ (فی فضائل خدیجة أم المؤمنین رضی الله عنها).

۳. همان.

۴. ر.ک: دیوان اُبی طالب عم النبي «ص»، ص ۹.

خدیجه (س) توانست نقش همسری همراه و دلسوز را به خوبی اجرا کند و حق مطلب را ادا نماید. پیامبر اکرم (ص) در این رابطه حضرت خدیجه (س) را اینگونه توصیف می‌کنند: «آنگاه که همه مرا تکذیب کردند، خدیجه مرا تایید کرد و به درستی پیغمبری من اقرار نمود و او هنگامی به من ایمان آورد و در نماز به من اقتدا کرد که همگان در لجن زار کفر و حقیقت پوشی دست و پا می‌زدند و موقعی به بهترین یادگار من (فخر دوجهان، فاطمه، آن بانوی محشر) باردار شد که همه زنان از بی اعتباری نازا مانده بودند»^۱ مضاف بر این که بسیار سخت است که انسان از شاه بانویی اعراب به شعب ابی طالب برود؛ اما حضرت خدیجه (س) اینکار را کرد و این سختی را به جان خرید.

سبک زندگی و الگوهای رفتاری حضرت خدیجه (س)

مطالعه تاریخ زندگی حضرت خدیجه (س) نشان می‌دهد که او هم در دوران جاهلیت و هم بعد از بعثت خاتم الانبیاء (ص) دارای فضائل اخلاقی و کمالات معنوی بوده است. او در جامعه خود به عنوان یک الگوی زن برتر، تاثیر بسزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشته است. سخاوت، کرامت، ایثار و فداکاری، عفت و پاکدامنی، دوراندیشی و درایت و توجه به مستمندان، عطوفت و مهربانی و صبر و استقامت، از جمله فضیلت‌های پسندیده ایست که صفحات تاریخ این زن نمونه را نشان می‌دهد. وفاداری این بانوی آسمانی در راه رسیدن به اهداف والای همسر خویش، مورد توجه سیره نویسان و محققان قرار گرفته است. او از اولین لحظات بعثت، به رسول خدا (ص) ایمان آورد و تا آخرین لحظات برایمان خود پای فشرد و لحظه‌ای شک و تردید به دل راه نداد.

گذشته از فضائل اخلاقی، او از کمالات علمی نیز برخوردار بود. تاریخ گواهی می‌دهد که خدیجه در مورد دانش عصر خود اطلاعات فراوانی داشت و از کتاب‌های آسمانی آگاه و از نظر عقل و درایت و زیرکی بر تمام زنان حتی بسیاری از مردان معاصر برتری داشت؛ بنابراین او دارای تمام کمالات و امتیازهایی بود که یک زن می‌تواند داشته باشد.

خصائل خدیجه (س)

خدیجه از بزرگترین بانوان اسلام به شمار می‌رود. او اولین زنی بود که به اسلام گروید؛ چنان که علی بن ابی طالب (ع) اولین مردی بود که اسلام آورد. اولین زنی که نماز خواند، خدیجه بود. او انسانی روشن بین و دور اندیش بود. با گذشت، علاقه مند به معنویات، وزین و با وقار، معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار

^۱ حر، ۱۳۸۵.

آسمانی بود. همین شرافت برای او بس که همسر رسول خدا(ص) بود و گسترش اسلام به کمک مال و ثروت او تحقق یافت.

خدیجه از کتب آسمانی آگاهی داشت و علاوه بر کثرت اموال و املاک، او را «ملکه بطحاء» می گفتند. از نظر عقل و زیرکی نیز برتری فوق العاده‌ای داشت و مهمتر اینکه حتی قبل از اسلام وی را «طاهره» و «مبارکه» و «سیده زنان» می خواندند.

جالب این است او از کسانی بود که انتظار ظهور پیامبر اکرم(ص) می کشید و همیشه از ورقه بن نوفل و دیگر علما جویای نشانه‌های نبوت می شد. اشعار فصیح و پر معنای وی در شان پیامبر اکرم(ص) از علم و ادب و کمال و محبت او به آن بزرگوار حکایت می کند.

نمونه‌ای از اشعار خدیجه درباره پیامبر اکرم(ص) چنین است:

«فلوانی امسیت فی کل نعمه و دامت لی الدنيا و تملک الاکاسره فما سویت عندی جناح بعوضه اذا لم یکن عینی لعینک ناظره». اگر تمام نعمت های دنیا از آن من باشد و ملک و مملکت کسراها و پادشاهان را داشته باشم، در نظرم هیچ ارزش ندارد زمانی که چشم به چشم تو نیافتند.

دیگر خصوصیت خدیجه این است که او دارای شم اقتصادی و روح بازرگانی بود و آوازه شهرتش در این امر به شام هم رسیده بود. البته سجایای اخلاقی حضرت خدیجه چنان زیاد است که قلم از بیان آن ناتوان است. پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «افضل نساء اهل الجنه خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم»^۱

چه می توان گفت در شان کسی که مایه آرامش و تسلای خاطر رسول خدا(ص) بود؟! در تاریخ می خوانیم: «حضرت محمد(ص) هر وقت از تکذیب قریش و اذیت‌های ایشان محزون و آزرده می شدند، هیچ چیز آن حضرت را مسرور نمی کرد مگر یاد خدیجه؛ و هرگاه خدیجه را می دید مسرور می شد».

ذهبی می گوید: مناقب و فضایل خدیجه بسیار است؛ او از جمله زنان کامل، عاقل، والا، پای بند به دیانت و عفیف و کریم و از اهل بهشت بود. پیامبر اکرم(ص) کرارا او را مدح و ثنا می گفت و بر سایر امهات مومنین ترجیح می داد و از او بسیار تجلیل می کرد. به حدی که عایشه می گفت: بر هیچ یک از زنان پیامبر(ص) به اندازه خدیجه رشک نورزیدم و این بدان سبب بود که پیامبر(ص) بسیار او را یاد کرد.

^۱ حدیث مشهور از حضرت محمد در بین روایات اهل سنت.

ازدواج حضرت خدیجه (س)

زفاف خدیجه با حضرت محمد (ص) ۲ ماه و ۷۵ روز پس از بازگشت از سفر تجارت شام تحقق یافت. در آن زمان، حضرت محمد (ص) ۲۵ سال داشت و خدیجه چهل ساله بود. خدیجه به سبب علاقه به حضرت محمد (ص) و مقام معنوی او با رسول خدا ازدواج کرد و تمام دارایی و مقام و جایگاه فامیلی خود را فدای پیشرفت مقاصد همسرش ساخت.

در عقد ازدواج حضرت محمد (ص) و خدیجه، عبدالله بن غنم به آنها چنین تبریک گفت: «هنیئا مریئا یا خدیجه قد جرت لك الطیر فیما كان منك باسعد تزوجت خیر البریه کلها و من ذا الذی فی الناس مثل محمد؟ و بشر به البران عیسی بن مریم و موسی ابن عمران فی اقرب موعد اقرب به الکتاب قدما بانه رسول من البطحاء هادو مهتد» گوارا باد بر تو ای خدیجه که طالع تو سعادت مند بوده و با بهترین خلایق ازدواج کردی. چه کسی در میان مردم همانند محمد (ص) است. محمد (ص) کسی است که حضرت عیسی و موسی به آمدنش بشارت داده‌اند و کتب آسمانی به پیامبری او اقرار داشتند. رسولی که سر از بطحاء (مکه) در می‌آورد و او هدایت کننده و هدایت شونده است. احترام پیغمبر خدا (ص) به خدیجه احترام حضرت محمد (ص) به خدیجه، به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود.

علل ظاهری و باطنی ازدواج خدیجه با حضرت محمد (ص)

مردان مادی که همه چیز را از دریچه مادی گری مطالعه می‌کنند پیش خود چنین تصور می‌کنند که: چون خدیجه ثروتمند و تجارت پیشه بود، برای امور تجاری خود به این مرد امین بیش از هر چیزی نیازمند بود، از این لحاظ با محمد ازدواج نمود و محمد نیز از وضع زندگی آبرومندانه او آگاه بود، با اینکه توافق سنی نداشتند تفضای او را پذیرفت. ولی آنچه در تاریخ در تاریخ نشان می‌دهد این است که محرک خدیجه برای ازدواج با امین قریش یک سلسله جهات معنوی بود، نه جنبه‌های مادی این شواهد گویای مطلب است:

۱. سخنان میسره؛

۲. سخنان دانای یهود؛

۳. سخنان عمومی خدیجه؛

۴. خواب خدیجه؛

حضرت خدیجه (س) و اطاعت از شوهر

عاقلان و بدیهی است که اگر در خانواده هر کسی ساز خودش را بزند و هماهنگی بین اعضای یک خانواده

وجود نداشته باشد فرجام آن خانواده چیزی جز شکست نخواهد بود. با نگاهی به زندگی حضرت خدیجه (س) به سادگی می‌توان به میزان اطاعت از شوهر و پایه رضایت پیامبر اکرم (ص) از همسرشان را دریافت. پیامبر اکرم (ص) همسران متعددی داشتند ولی از نظر درجات یکسان نبودند. یکی از آنها در حال حیات و بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) سخت حضرت را اذیت و آزار داد و بر خلاف دستورات او حرکت کرد، که همین امر باعث تنزل مقام و منزلت او گردید ولی برخی از آنها مانند خدیجه کبری با تمام وجود و هستی خویش در راه اطاعت از پیامبر و جلب رضایت او کوشید و در نتیجه در بین تمام همسران رتبه ممتاز را کسب نمود. مرحوم شیخ صدوق از امام صادق (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «تزوج رسول الله بخمس عشر امراه افضلهن خدیجه بنت خویلد- رسول خدا با پانزده زن ازدواج کرد که برترین آنان خدیجه دختر خویلد بود»^۱

درود خدا بر خدیجه

خدیجه کبری چنان مقام والایی داشت که خداوند عزوجل بارها برای او درود و سلام فرستاد. طبق روایتی از حضرت امام محمد باقر (ص): پیامبر اکرم (ص) هنگام بازگشت از معراج، به جبرئیل فرمود: «آیا حاجتی داری؟» جبرئیل عرض کرد: خواسته‌ام این است که از طرف خدا و من به خدیجه سلام برسانی»

در روایتی دیگر می‌خوانیم: روزی خدیجه به طلب رسول خدا (ص) بیرون آمد. جبرئیل به صورت مردی با وی رو به رو شد و از خدیجه احوال رسول خدا (ص) را پرسید. خدیجه نمی‌توانست بگوید رسول خدا (ص) در کجا به سر می‌برد. او می‌ترسید این مرد از کسانی باشد که قصد کشتن پیغمبر (ص) را دارد. وقتی که خدمت آن حضرت رسید و قصه باز گفت، حضرت محمد (ص) فرمود: «آن جبرئیل بود و امر کرد که از خداتو را سلام برسانم».

فرزندان خدیجه

در تعداد فرزندان حضرت خدیجه، میان مورخان اختلاف است. به گفته مشهور: ثمره ازدواج رسول خدا و خدیجه، شش فرزند بود: ۱- هاشم ۲- عبدالله به این دو «طاهر» و «طیب» می‌گفتند ۳- رقیه. ۴- زینب ۵- ام کلثوم. ۶- فاطمه. رقیه بزرگترین دخترانش بود و زینب، ام کلثوم و فاطمه به ترتیب پس از رقیه قرار داشتند. پسران خدیجه پیش از بعثت پیامبر (ص)، بدرود زندگی گفتند. ولی دخترانش، نبوت پیامبر (ص) را درک کردند. گروهی از محققان معتقدند: قاسم و همه دختران رسول خدا (ص) پس از بعثت به دنیا آمدند و چند روز پس از پیامبر خدا (ص) به مدینه هجرت کردند.

۱. امامی فر، ۱۳۸۳.

حضرت خدیجه (س) پرورش دهنده حضرت فاطمه (س)

ثمره زندگی انسان در میراثی است که از او به جای می ماند. گاهی این ارث تنها در پول و املاک خلاصه می شود. بعضی مواقع کتابی ارزشمند یا رسمی ممدوح است و گاهی هم فرزندی صالح. حضرت خدیجه (س) آنچه از املاک و اموال داشت در راه خدا هزینه کرد و برای رسول خدا تنها فرزندش را به یادگار گذاشت و چه فرزندی؟ فاطمه زهرا (س). پرورش چنین فرزندی که رسول الله در بیانی اینچنین می فرماید: «فداها ابوها»^۱. اینکه خداوند در قرآن پیامبر اکرم (ص) را برای ما الگو معرفی می کند به این معنا است که می شود آن انوار مقدسه را از خود جدا ندانست و از آنها روش زندگی را یاد گرفت. بنابراین شیوه تربیتی و دامن پاک حضرت خدیجه (س) را می توان از عوامل رشد شخصیتی حضرت زهرا (س) دانست.

این دختر پاکیزه، هنگام رحلت مادر وقتی احساس کرد که حضرت خدیجه شدیداً در فراق او و پدر ارجمندش ناراحت است و نگران تنهایی و بی یآوری حضرت محمد (ص) می باشد به مادرش دلداری داده و گفت: «یا اماه! لا تحزنی و لا ترهبی فان الله مع ابی»^۲ آموختن این نوع نگاه و یاد دادن خداآوری تنها به شیوه تربیتی برمی گردد و کسی که بیشتر از همه می تواند موثر باشد مادر است.

وصیت خدیجه

حضرت خدیجه (س) سه سال قبل از هجرت بیمار شد. پیغمبر (ص) به عیادت وی رفت و فرمود: ای خدیجه، «اما علمت ان الله قد زوجنی معک فی الجنه»؛ آیا می دانی که خداوند تو را در بهشت نیز همسرم ساخته است؟!

آنگاه از خدیجه دل جوئی و تفقد کرد؛ او را وعده بهشت داد و درجات عالی بهشت را به شکرانه خدمات او توصیف فرمود. چون بیماری خدیجه شدت یافت، عرض کرد: یا رسول الله! چند وصیت دارم: من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کن.

پیامبر (ص) فرمود: هرگز از تو تقصیری ندیدم و نهایت تلاش خود را به کار بردی. در خانه ام بسیار خسته شدی و اموال را در راه خدا مصرف کردی.

عرض کرد: یا رسول الله! وصیت دوم من این است که مواظب این دختر باشید. و به فاطمه زهرا (س) اشاره کرد. چون او بعد از من یتیم و غریب خواهد شد. پس مبادا کسی از زنان قریش به او آزار برساند. مبادا کسی

۱. فتال نیشابوری، ۱۳۸۱.

۲. پاکنیا، ۱۳۸۱.

به صورتش سیلی بزند. مبادا کسی بر او فریاد بکشد. مبادا کسی با او برخورد غیر ملایم و زنده‌ای داشته باشد.

اما وصیت سوم را شرم می‌کنم برایت بگویم. آن را به فاطمه عرض می‌کنم تا او برایت بازگو کند. سپس فاطمه را فراخواند و به وی فرمود: «نور چشمم! به پدرت رسول الله بگو: مادرم می‌گوید: من از قبر در هراسم؛ از تو می‌خواهم مرا در لباسی که هنگام نزول وحی به تن داشتی، کفن کنی».

پس فاطمه زهرا (س) از اتاق بیرون آمد و مطلب را به پیامبر (ص) عرض کرد. پیامبر اکرم (ص) آن پیراهن را برای خدیجه فرستاد و او بسیار خوشحال شد. هنگام وفات حضرت خدیجه، پیامبر اکرم (ص) غسل و کفن وی را به عهده گرفت. ناگهان جبرئیل درحالی که کفن از بهشت همراه داشت، نازل شد و عرض کرد: یا رسول الله، خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: «ایشان اموالش را در راه ما صرف کرد و ما سزاوارتریم که کفنش را به عهده بگیریم».

وفات خدیجه (س)

خدیجه در سن ۶۵ سالگی در ماه رمضان سال دهم بعثت در خارج از شعب ابوطالب جان به جان آفرین تسلیم کرد. پیغمبر خدا (ص) شخصاً خدیجه را غسل داد، حنوط کرد و با همان پارچه‌ای که جبرئیل از طرف خداوند عزوجل برای خدیجه آورده بود، کفن کرد. رسول خدا (ص) شخصاً درون قبر رفت، سپس خدیجه را در خاک نهاد و آنگاه سنگ لحد را در جای خویش استوار ساخت. او بر خدیجه اشک می‌ریخت، دعا می‌کرد و برایش آمرزش می‌طلبید. آرامگاه خدیجه در گورستان مکه در «حجون» واقع است. رحلت خدیجه برای پیغمبر (ص) مصیبتی بزرگ بود؛ زیرا خدیجه یاور پیغمبر خدا (ص) بود و به احترام او بسیاری به حضرت محمد (ص) احترام می‌گذاشتند و از آزار وی خودداری می‌کردند.

یاد خدیجه

رسول خدا (ص) با این که بعد از رحلت حضرت خدیجه (س) با زنانی چند ازدواج کرد؛ ولی هرگز خدیجه را از یاد نبرد. عایشه می‌گوید: هر وقت پیغمبر خدا (ص) یاد خدیجه می‌افتاد، ملول و گرفته می‌شد و برای او آمرزش می‌طلبید. روزی من رشک ورزیدم و گفتم: یا رسول الله، خداوند به جای آن پیرزن، زنی جوان و زیبا به تو داد.

پیغمبر (ص) ناگهان بر آشفت و خشمگینانه دست بر دست من زد و فرمود: خدا شاهد است خدیجه زنی بود که چون همه از من رومی گردانیدند، او به من روی می‌کرد؛ و چون همه از من می‌گریختند، به من محبت و

مهربانی می‌کرد؛ و چون همه دعوت مرا تکذیب می‌کردند، به من ایمان می‌آورد و مرا تصدیق می‌کرد. در مشکلات زندگی مرا یاری می‌داد و با مال خود کمک می‌کرد و غم از دلم می‌زدود.

حضرت امام صادق (ع) فرمود: «وقتی خدیجه از دنیا رفت، فاطمه کودکی خردسال بود، نزد پدر آمد و گفت: «یا رسول الله امی»، مادرم کجاست؟

پیامبر (ص) سکوت کرد. جبرئیل نازل شد و گفت: خدایت سلام می‌رساند و می‌فرماید: به زهرا بفرما، مادرت در بهشت و در کاخ طلائی که ستونش از یاقوت سرخ است و اطرافش آسیه و مریم هستند، جای دارد.

نقش خدیجه در پیشبرد اسلام

وقتی حضرت خدیجه دریافت که سعادت مند شده، هرچه داشت در راه پیشرفت و موقعیت پیغمبر اسلام (ص) انفاق کرد. او تمام اموال خویش را به پیامبر (ص) بخشید و در راه نشر اسلام به مصرف رساند. تا جایی که هنگام ارتحال، پارچه‌ای برای کفن نداشت.

ابن اسحاق جمله‌ای در شان خدیجه دارد که گویای همکاری و صداقت او در پیشبرد اسلام است. او می‌گوید: «خدیجه یاور صادق و با وفایی برای پیامبر (ص) بود و مصیبت‌ها در پی رحلت خدیجه و ابوطالب بر پیامبر (ص) سرازیر شد». گویا این دو، در برابر هجوم ناملایمات بر پیامبر اکرم (ص)، سدی بلند و مستحکم بودند. این جمله، معروف که اسلام رهین اخلاق پیامبر (ص)، شمشیر علی (ع)، و اموال خدیجه است از نهایت همکاری و صداقت خدیجه پرده برمی‌دارد.

خدمات حضرت خدیجه (س) به اسلام

حضرت خدیجه (س) در ۲۵ سال زندگی مشترک با پیامبر گرامی اسلام (ص)، خدمات بسیاری برای آن بزرگوار و دین اسلام انجام داد. حمایت‌های مالی، روحی، عاطفی از حضرت محمد (ص)، تصدیق و تأیید پیامبر در روزگاری که هیچ کس تأییدش نمی‌کرد و یاری ایشان در برابر آزار مشرکان، گوشه‌هایی از این خدمات ارزشمند است. حضرت خدیجه (س) پس از ازدواج با پیامبر، دارایی‌اش را به ایشان بخشید تا آن را هرگونه می‌خواهد مصرف کند. رسول گرامی اسلام (ص) در این زمینه می‌فرماید: «هیچ ثروتی به اندازه ثروت خدیجه س برای من سودمند نبود».

حضرت خدیجه (س)، این بانوی بزرگوار نه تنها از عمق جان به رسالت پیامبر ایمان آورد، بلکه او را در برابر سختی‌ها و تکذیب مشرکان و بدخواهان یاری داد. تا زنده بود، اجازه نداد آزار و شکنجه مشرکان بر رسول خدا (ص) سخت آید. هنگامی که رسول الله (ص) با باری از مصیبت و اندوه به خانه می‌آمد، خدیجه او را دلداری می‌داد و نگرانی را از ذهن و خاطرش می‌زدود. اموال حضرت خدیجه (س) به عنوان ابزاری

مناسب از همان ابتدا در خدمت اسلام و پیشرفت آن قرار گرفت. جالب این که آخرین بخش از دارایی خدیجه توسط امیرمؤمنان (ع) در سفر هجرت به مدینه صرف شد. سفر اکثر مسلمانان با اموال خدیجه ممکن شد. آخرین آن‌ها هم قافله‌ای بود که امیرالمؤمنین (ع) آن را سرپرستی کرد.

نتیجه‌گیری

حضرت خدیجه نخستین زن مسلمان، نخستین همسر پیامبر اسلام و از هر جهت مظهر کمالات انسانی و ایثار و مقاومت بود. همسری خردمند، مدبر و مهربان، مادری آموخته و فضیلت پرور، مجاهدی مقاوم و صبور، ایثارگری مخلص و بی نظیر، راست قامتی با عزت و نستوه یعنی مادر زهرای اطهر (س) که به راستی زندگی سراسر درخشان او، عالی‌ترین الگو برای زنان با شخصیت است. او بانوی گرانمایه‌ای بود که در اوج آگاهی و آمادگی به همه فراز و نشیب‌ها و زیبایی‌ها و ناگواری‌های زندگی که براساس تقدیر حکیمانه خدا و در راه بندگی او و رشد و رستگاری مردم برایش پیش آمد راضی و خشنود بود و در اوجی از ایمان و اخلاص و عرفان بود که همان را می‌پسندید که خدایش بیسندد.

حضرت خدیجه (س) به عنوان اولین انتخاب پیامبر گرامی اسلام به همسری؛ نمونه‌ای است از یک بانویی که اسلام تلاش دارد به جهانیان نشان دهد. حضرت خدیجه با صبر و استقامت، با حمایت و همراهی خود کمک شایانی به ترویج و گسترش اسلام کرد و نیز سبک زندگی یک زن مسلمان و شیوه برخورد با همسر و فرزند و خانواده را به مسلمانان نشان داد.

منابع

• قرآن کریم.

۱. ابن فارس، ابو الحسین احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، معجم المقاییس اللغه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۲. امامی فر، علی، (۱۳۸۳)، فضائل حضرت خدیجه (س)، نشریه مبلغان، شماره ۵۹.
۳. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، قم.
۴. پاک نیا، عبدالکریم، (۱۳۸۱ش)، نگاهی به آموزه‌های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه (س)، نشریه مبلغان، شماره ۳۵.
۵. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ق)، اصحاح اللغه بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
۶. حر، سیدحسین، (۱۳۸۵ش)، هفت نکته قرآنی در سیره اولین زن مسلمان حضرت خدیجه طاهره (س)، نشریه کوثر، شماره ۲۰.

۷. دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخميس فی احوال الانفس نفیس، بیروت: انتشارات دار صادر.
۸. راغب اصفهانی، (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، سوریه: دار العلم، الدار الشامیة، چاپ اول.
۹. زبیدی واسطی، سیدمرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۸۲ش)، تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۸۱ش)، روضه الواعظین، ج ۲، محقق: غلامحسین مجیدی، مجتبی فرجی، قم: انتشارات دلیل ما.
۱۲. فخر رازی، (۱۳۸۷ش)، المباحث المشرقیة فی علم الإلهیات و الطبیعیات، قم.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، ج ۷، قم: هجرت، چاپ دوم.
۱۴. قرمانی، احمد بن یوسف، (۱۴۱۲ق)، أخبار الدول و آثار الأول فی التاریخ، بیروت: ناشر عالم الکتب.
۱۵. کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۲۱ق)، التعجب من أغلاط العامه فی مسأله الإمامه، محقق: حسون کریم فارس، قم: انتشارات دارالغدیر، چاپ اول.
۱۶. کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۲۷ق)، الرسالة العلویة فی فضل أمير المؤمنين (ع) علی سائر البریه، (محقق: عبدالعزیز کریمی)، قم: انتشارات دلیل ما، چاپ اول.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۶.